



پیام گفتار و رفتار پیامبر ﷺ درباره فاطمه ﷺ

مقدمه

بعد از خداوند متعال، پیامبر اکرم ﷺ، فاطمه زهرا ﷺ را به کمال و تمام می‌شناخت و بر اساس آن آگاهی، با زهرا ﷺ رفتار می‌نمود و درباره او سخن می‌گفت، آنچنان رفتار و گفتاری رمزآلود که حامل پیام مهمی برای صحابه و مسلمین بود. پیامبر گرامی اسلام ﷺ دارای چهار دختر به نام زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه زهرا ﷺ بود^(۱). رفتار و گفتار پیامبر ﷺ نسبت به فاطمه ﷺ با آنکه کوچکترین آنها بود، کاملاً متفاوت بود^(۲) تفاوت به حدی ظاهر و آشکار بود که تعجب اصحاب را برمی‌انگیخت و برای آنان جای سؤال بود. جابر بن عبدالله می‌گوید: از پیامبر ﷺ سؤال کردم که: ای رسول خدا شما صورت و دهان فاطمه را می‌بوسید و بیشتر ملازم او هستید و او را به خود نزدیکتر کرده‌اید، با او رفتاری غیر از آنچه با دیگر دخترانتان می‌کنید، دارید؟ حضرت پاسخ دادند: جبرائیل سببی از بهشت برای من آورد چون آن را خوردم تبدیل به نطفه فاطمه گردید و لذا من از فاطمه بوی بهشت را استشمام می‌کنم.^(۳)

بدون تردید در باطن و ورای کلمات و رفتار پیامبر ﷺ درباره فاطمه ﷺ سرّ و رازی نهفته است که در راستای رسالت الهی پیامبر ﷺ و ابلاغ رسالات الله می‌باشد. کشف این پیام و راز، بسیاری از حقایق را آشکار می‌کند و راه نجات را می‌نمایاند و می‌تواند بسیاری از اختلافات شیعه و سنی را پایان بخشد. قبل از پرداختن به تحلیل پیام رفتار و گفتار پیامبر ﷺ به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

۱. الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۵۷ و تاریخ پیامبر اسلام، ص ۷۶

۳. بحار ج ۴۳ ص ۵

۲. رک: بحار، ج ۴۳، ص ۳۷ و ۳۸

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از قبل از ولادت زهرا علیها السلام و تا آخرین لحظات حیات خودشان، کلمات شگفتی در موقعیتهای مختلف و در هر فرصت که به دست می آمد، در شأن و شخصیت فاطمه علیها السلام ابراز می کردند. گویا آن حضرت علیها السلام بالاتر از عشق به زهرا علیها السلام و تکلیف الهی در معرفی او، از آینده نگران بودند و تلاش می کردند با این کلمات جلوی وقایعی که خود و خدا خبر داشتند بگیرند.

۱- صد نمونه از کلمات پیامبر صلی الله علیه و آله درباره فاطمه علیها السلام

- ۱- فاطمه از نور وجود خدا خلق شد^(۱)
- ۲- نطفه فاطمه از بهشت است^(۲)
- ۳- فاطمه بوی بهشت می دهد^(۳)
- ۴- فاطمه گل است^(۴)
- ۵- نور فاطمه، آسمانها و زمین های هفتگانه را روشن می سازد^(۵)
- ۶- اسم فاطمه از یکی از اسمای خدا مشتق شده است^(۶)
- ۷- اسم او در زمین فاطمه و در آسمان منصوره است^(۷)
- ۸- خداوند پیامبران را از درختان مختلفی آفرید اما مرا از درخت واحدی آفرید که ریشه آن من و علی شاخه های آن و فاطمه لقاح و پیوند آن و حسن و حسین ثمره و میوه آن هستند^(۸).
- ۹- وقتی فاطمه در محرابش به نماز می ایستاد، نور او برای فرشتگان آسمان می درخشید همانگونه که نور ستارگان برای اهل زمین می درخشد^(۹).
- ۱۰- فاطمه پاکدامن است و خداوند آتش جهنم را بر او و اولادش حرام کرده است^(۱۰).

۲. بحار، ج ۴۳، ص ۵ و ۱۸

۱. بحار، ج ۴۳، ص ۴۴

۳. بحار، ج ۴۳، ص ۵ و ۱۸

۴. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۳۱ و نزهة المجالس، ج ۲، ص ۲۲۲

۵. بحار، ج ۴۳، ص ۱۷

۶. بحار، ج ۴۳، ص ۱۵

۷. بحار، ج ۴۳، ص ۱۸

۸. حافظ طبری، ابن عساکر، حاکم حسکانی از اهل حدیث نقل کرده اند، رک: الغدير ج ۲ ص ۳۰۸

۹. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۱۱۶

۱۰. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۳. مؤلف الغدير ۱۶ نفر از بزرگان اهل سنت را نام می برد که این روایت را

- ۱۱- فاطمه بتول است و هرگز خون زنانه نمی‌بیند (۱).
- ۱۲- شیعیان و دوستان فاطمه وارد جهنم نمی‌شوند (۲).
- ۱۳- فاطمه از اهل بیت است و مصداق آیه تطهیر (۳).
- ۱۴- فاطمه برترین زن زمین است (۴).
- ۱۵- او برترین دختر آدم است (۵).
- ۱۶- فاطمه برترین زنان بهشت است (۶).
- ۱۷- فاطمه برترین زنان امت است (۷).
- ۱۸- فاطمه برتر از تمام زنان جهان از اولین تا آخرین است (۸).
- ۱۹- فاطمه اولین شخص از زنان است که وارد بهشت می‌شود (۹).
- ۲۰- بهشت مشتاق فاطمه است (۱۰).
- ۲۱- هرگاه من مشتاق بهشت می‌شوم، فاطمه را می‌بویم (۱۱).
- ۲۲- خداوند قلب فاطمه را پر از یقین و اعضایش را پر از ایمان نمود (۱۲).
- ۲۳- خداوند امر نمود تا فاطمه را به عقد علی درآورم (۱۳).
- ۲۴- خداوند در شب ازدواج فاطمه با علی برای فاطمه در بهشت قصری از جواهر و عطریات ساخت (۱۴).
- ۲۵- در قیامت فرشته‌ای ندا می‌دهد تا مردم چشمان خود را به زمین بدوزند تا فاطمه از پل صراط عبور کنند (۱۵).

نقل و به صحت سند آن اعتراف کرده‌اند. (الغدیر، ج ۲، ص ۶۱ و ج ۳، ص ۱۷۵).

۱. بحار، ج ۴۳، ص ۱۵ و ۱۶
۲. الغدیر، ج ۲، ص ۶۱ و ج ۳، ص ۱۷۵ و بحار، ج ۴۳، ص ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۸ و ۲۰
۳. بحار، ج ۴۳، ص ۲۴
۴. بحار، ج ۴۳، ص ۲۰
۵. همان
۶. بحار، ج ۴۳، ص ۲۱ و ۳۶ و ۵۱ و مسند احمد حنبل، ج ۲، ص ۲۹۳
۷. همان، ص ۳۷ و ۵۱ و تاریخ خطیب بغدادی، ج ۴، ص ۳۹۲
۸. همان، ص ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۴ و ۳۶
۹. بحار، ج ۴۳، ص ۴۴
۱۰. همان، ص ۵۳
۱۱. همان، ص ۴۳
۱۲. همان، ص ۴۶
۱۳. همان، ص ۱۰۵ و ۴۱ و ۱۱۱ و الغدیر، ج ۲، ص ۳۱۵ و عبون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۵۹
۱۴. همان، ص ۴۱
۱۵. همان، ص ۵۲

- ۲۶- او اولین اهل بیت من است که به من ملحق می‌شود^(۱).
- ۲۷- فرشتگان مأمور خدمت و کمک به فاطمه‌اند^(۲).
- ۲۸- من پدر فاطمه‌ام و احدی در جهان مانند من نیست^(۳).
- ۲۹- علی شوهر فاطمه است و اگر علی نبود کفو (هم‌شان)، برای فاطمه نبود^(۴).
- ۳۰- خداوند حسن و حسین را به فاطمه عطا کرد که در جهان مثل آن دو جوان بهشتی و سبط انبیاء وجود ندارد^(۵).
- ۳۱- فاطمه پاره تن من است^(۶).
- ۳۲- فاطمه قلب و روح من است^(۷).
- ۳۳- فاطمه سرور و بهجت قلب من است^(۸).
- ۳۴- فاطمه حوریه‌ای به صورت انسان است^(۹).
- ۳۵- فاطمه شعبه و سنبل من است^(۱۰).
- ۳۶- او میوه و حاصل قلب من است^(۱۱).
- ۳۷- او نور چشم من است^(۱۲).
- ۳۸- فاطمه عزیزترین مردم نزد من است^(۱۳).

۲. همان، ص ۲۸ و ۲۹ و ۴۵

۴. همان، ص ۵۸ و ۱۰۷

۱. همان، ص ۲۴

۳. همان، ص ۵۸

۵. همان، ص ۵۸

۶. علامه امینی در الغدیر ابن سخن و تنمه آن را (هر کس او را خشمگین کند خدا را خشمگین ساخته است) از ۶۰ مصدر از اهل سنت ذکر می‌کند و می‌گوید ۶۰ نفر از محدثین و دانشمندان اهل سنت حدیث مزبور را نقل کرده و اعتراف نموده‌اند که پیامبر چنین سخنی درباره فاطمه علیها السلام گفته است. رک: الغدیر ج ۷

ص ۲۳۱ و صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۱ و الاغانی از ابوالفرج اصفهانی، ج ۸،

ص ۳۰۷ و مسند احمد حنبل، ج ۶، ص ۲۸۲ و حلیه الاولیاء از ابونعیم، ج ۴، ص ۴۰

۷. الغدیر، ج ۷، ص ۲۳۲ و بحار، ج ۴۲، ص ۵۴ و فصول المهمه از ابن صباغ، ص ۱۵۰ و نزه المجالس از عبدالرحمن صفوی، ج ۲، ص ۲۲۸ و نورالابصار از شبلینجی، ص ۴۵

۸. ارشاد القلوب، ص ۴۲۳ و بحار، ج ۴۳، ص ۵۴

۹. بحار، ج ۴۳، ص ۶ و ۷ و ۱۸ و تاریخ خطیب بغدادی، ج ۵ ص ۸۶ و الصواعق المحرقة از ابن حجر، ص ۹۶ و اسعاف الراغبین از محمد صبان، ص ۱۷۳

۱۱. بحار، ج ۴۳، ص ۲۴

۱۰. بحار، ج ۴۳، ص ۲۶ و ۵۴

۱۳. بحار، ج ۴۳، ص ۲۳ و ۲۴

۱۲. بحار، ج ۴۳، ص ۲۴

- ۳۹- او محبوبترین زن نزد من است (۱).
 ۴۰- فاطمه عزیزترین مخلوقات نزد من است (۲).
 ۴۱- فاطمه نمود (شعره) من است (۳).
 ۴۲- او مادر پدرش هست (۴).
 ۴۳- هر کس او را خشتود سازد، مرا خشتود نموده است (۵).
 ۴۴- هر کس او را خشمگین سازد مرا خشمگین ساخته است (۶).
 ۴۵- هر کس به او بدی برساند در حقیقت به من بدی رسانده است (۷).
 ۴۶- هر کس او را اذیت کند، گویا مرا اذیت کرده است (۸).
 ۴۷- آنچه فاطمه را راضی نماید، مرا راضی می کند (۹).
 ۴۸- آنچه فاطمه را غضبناک سازد، مرا غضبناک می کند (۱۰).
 ۴۹- هر چه فاطمه را ناراحت کند، مرا ناراحت می کند (۱۱).
 ۵۰- هر چیز فاطمه را مسرور سازد، مرا مسرور می کند (۱۲).
 ۵۱- هر کس در او تردید کند، نسبت به من تردید کرده است (۱۳).
 ۵۲- هر کس فاطمه را زیارت کند، مرا زیارت کرده است (۱۴).
 ۵۳- هر کس علی را زیارت کند، فاطمه را زیارت کرده است (۱۵).

۱. بحار، ج ۴۳، ص ۳۸
 ۲. بحار، ج ۴۳، ص ۳۹
 ۳. بحار، ج ۴۳، ص ۵۴
 ۴. بحار، ج ۴۳، ص ۱۹
 ۵. بحار، ج ۴۳، ص ۲۳ و ۵۴
 ۶. این قبیل احادیث از طریق بیش از پنجاه نفر از رجال حدیث و سنت مانند احمد حنبل، بخاری، ابن ماجه سجستانی، ترمذی، نسائی، حاکم نیشابوری، ابونعیم اصفهانی، بیهقی، خوارزمی، ابن عساکر، بغوی، ابن جوزی، ابن اثیر، ابن ابی الحدید، سیوطی، ابن حجر، و بلاذری و دیگر دانشمندان اهل سنت نقل شده است و در نزد صحابه و تابعین به خاطر تواتر آن به طور یقینی مورد قبول بوده است (رک: از ولادت تا شهادت، ص ۲۳۵ و بحار، ج ۴۳، ص ۳۹ و صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۱ و الاغانی، ابوالفرج اصفهانی، ج ۸، ص ۳۰۷).
 ۷. بحار، ج ۴۳، ص ۲۳ و ۲۴
 ۸. بحار، ج ۴۳، ص ۲۴
 ۹. بحار، ج ۴۳، ص ۳۹
 ۱۰. بحار، ج ۴۳، ص ۳۹
 ۱۱. بحار، ج ۴۳، ص ۳۹
 ۱۲. بحار، ج ۴۳، ص ۳۹
 ۱۳. بحار، ج ۴۳، ص ۵۸
 ۱۴. بحار، ج ۴۳، ص ۵۸

- ۵۴- هر کس دو فرزند فاطمه، حسن و حسین را زیارت کند، علی ۷ را زیارت کرده است (۱).
- ۵۵- هر کسی ذریه فاطمه را زیارت کند، حسن و حسین را زیارت کرده است (۲).
- ۵۶- فاطمه برگزیده خدا است (۳).
- ۵۷- خداوند خشنود می شود به خشنودی فاطمه (۴).
- ۵۸- خداوند خشمگین می شود به خشم فاطمه (۵).
- ۵۹- فرشتگان از غضب فاطمه غضبناک می شوند (۶).
- ۶۰- فرشتگان از رضایت فاطمه خشنود می شوند (۷).
- ۶۱- هر کس بر فاطمه درود و صلوات فرستد خداوند او را بخشیده و او را در بهشت به من ملحق می نماید (۸).
- ۶۲- هر کس نور فاطمه را دریافت کند، به ولایت آل محمد هدایت می شود (۹).
- ۶۳- هر کس نور فاطمه را درک نکند، از ولایت آل محمد گمراه می شود (۱۰).
- ۶۴- هر زنی نماز یومیه را بخواند، روزه ماه رمضان را بگیرد، حج واجب را بجای آورد، زکات مالش را بدهد، شوهرش را اطاعت کند و ولایت علی را بپذیرد، به وسیله شفاعت دخترم فاطمه وارد بهشت می شود (۱۱).
- ۶۵- قبر فاطمه باغی از باغهای بهشت و گلزاری از گلزار بهشت است (۱۲).
- ۶۶- فاطمه انسانی کامل است (۱۳).
- ۶۷- گوئی دخترم را می بینم که بعد از من به وی ظلم می شود و هر چه فریاد بر می آورد، کسی به فریاد او نمی رسد (۱۴).

۲. همان، ص ۵۸

۱. بحار، ج ۴۳، ص ۵۸

۳. بحار، ج ۴۳، ص ۱۹

۴. بحار، ج ۴۳، ص ۱۹ و ۲۰ و ۲۲ و ۴۴ و ۵۳ و مولف الغدير ۸۰ مصدر برای دو جمله فوق از اهل سنت

۵. بحار، ج ۴۳، ص ۱۹ و ۲۰ و ۲۲ و ۴۴ و ۵۳ و مولف الغدير ۸۰ مصدر برای دو جمله فوق از اهل سنت نقل می کند که این ۸۰ محدث و دانشمند اهل سنت، ذکریا حدیث، بر صحت سند آن اعتراف کرده اند رک:

الغدير، ج ۳، ص ۱۸۰ و ج ۷، ص ۲۳۲

۶. بحار، ج ۴۳، ص ۴۲

۷. همان، ص ۴۲

۸. همان، ص ۵۵

۹. همان، ص ۴۴

۱۰. بحار، ج ۴۳، ص ۲۴

۱۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۰۴ و بحار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۲

۱۲. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۲۰

۱۳. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۴۹

- ۶۸- گویی فاطمه را می بینم که بعد از عزت یافتن در زمان پدر، به ذلت و خواری پس از من دچار می شود (۱).
- ۶۹- فاطمه دخترم در قیامت محشور می شود در حالیکه لباسی آغشته به خون با اوست، پس آن را بر یکی از پایه های عرش آویزان می کند و خطاب به خداوند می گوید: ای عدل؛ اینک بین من و قاتلین فرزندانم (حسین) حکم نما (۲).
- ۷۰- ای فاطمه ترا به ازدواج بهترین امتم، عالمترین امتم، صالحترین امتم و پیش قدم ترین امتم در پذیرفتن اسلام در آوردم (۳).
- ۷۱- ای فاطمه ترا به ازدواج با اخلاق ترین مسلمین، صبورترین و پر حوصله ترین مردم در آوردم (۴).
- ۷۲- ای فاطمه پدرت فدای تو باد (۵).
- ۷۳- ای فاطمه هر که به تو بپیوندد، به من پیوسته و هر که از تو ببرد، از من بریده است (۶).
- ۷۴- ای فاطمه بشارت باد بر تو ای دختر محمد زیرا که تو به سرعت به من می پیوندی (۷).
- ۷۵- ای فاطمه به تو پنج کلمه یاد می دهم که جبرئیل آن را به من یاد داد و آن عبارت است از، یا رب العالمین و الآخرین یا ذا القوة المتین یا راحم المساکین و یا ارحم الرحمین (۸).
- ۷۶- ای فاطمه، دختر جانم! تلخی و سختی دنیا را پیشاپیش بجش تا شیرینی آخرت را پس از آن دریایی (۹).
- ۷۷- ای فاطمه هر کس سه روز بر من یا تو سلام فرستد، خدا بهشت را بر او واجب می کند (۱۰).
- ۷۸- ای فاطمه خدا به غضب تو غضبناک و به رضایت تو راضی می شود و هر که این نکته را دانست تو را شناخته است (۱۱).

۱. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۴۹ بحار، ج ۴۳، ص ۲۲۰
۳. الغدير، ج ۳، ص ۲۲۰، محب الدین طبری، الریاض النضره، ج ۲، ص ۱۹۴ و مسند احمد، ج ۵، ص ۲۶
۴. مسند احمد، ج ۴، ص ۲۶ و محب الدین طبری، الریاض النضره، ج ۲، ص ۱۸۲ و ۱۹۴ به نقل از او حافظ ابونعیم در اربعین و کفایه الطالب و ابن مردویه در مناقب ابن حدیث را نقل کردند، (رک: شهاب ثاقب، ص ۱۳۰).
۵. بحار، ج ۴۳، ص ۴۳
۶. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۵۲
۸. بحار، ج ۴۳، ص ۱۵۲ و فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۴۱
۹. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۳۹
۱۰. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۴۱
۱۱. این حدیث به طریق متعددی از محدثین و علمای اهل سنت نقل شده است مانند مستدرک حاکم، ج ۳،

- ۷۹- ای فاطمه ای اراضی هستی که سید زنان مؤمنه باشی (۱).
- ۸۰- ای فاطمه تو از منی و من از تو هستم (۲).
- ۸۱- فاطمه جان! به من بگو: «پدر»، زیرا که این کلمه تو قلبم را احیاء کرده و خدا را راضی می‌گرداند (۳).
- ۸۲- شبی که به معراج رفتم دیدم بر در بهشت نوشته شده لا اله الا الله، علی حبیب الله و الحسن و الحسين صفوة الله (برگزیده خدا) و فاطمة خيرة الله (بهترین بانو در پیشگاه خدا)، لعنت خدا بر کسانی که مورد غضب آنان واقع شوند (۴).
- ۸۳- فاطمه همواره رضای خدا را بر رضای خود مقدم می‌شمارد (۵).
- ۸۴- وای بر کسی که دخترم فاطمه را مورد ستم قرار دهد (۶).
- ۸۵- وای بر کسی که حرمت دخترم را بشکند (۷).
- ۸۶- فاطمه، علی و دو پسران آنان قریبی در آیه لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی هستند (۸).
- ۸۷- خداوند پاداش و اجر مرا بر شما مسلمین، مهرورزی، رحمت و محبت به اهل بیتم - فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام - قرار داد و من در فردای قیامت نسبت به محبت و مودت شما با آنان مورد سؤالان قرار خواهم داد (۹).
- ۸۸- ای علی، خداوند فاطمه را به عقد تو درآورد در حالیکه مهریه اش را زمین قرار داد، پس هر کسی که بر روی زمین راه برود در حالیکه به تو بغض می‌ورزد، به حرام راه رفته است (۱۰).

- ص ۱۵۴ و تذکره سبط ابن جوزی، ص ۱۷۵ و مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۵۲ و کفایه الطالب، ص ۲۱۹ و کنز العمال، ج ۷، ص ۱۱۱ و الصواعق المحرقة، ص ۱۰۵ و... (رک: فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۳۱).
۱. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۳۱ و مسند احمد حنبل، ج ۶، ص ۲۸۲
 ۲. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۲۸
 ۳. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۲۸
 ۴. خطیب بغدادی و خوارزمی از اهل سنت نقل کرده‌اند. (الغدیر، ج ۲، ص ۳۱۵).
 ۵. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۱۵
 ۶. همان، ص ۲۹۰
 ۷. همان، ص ۲۹۰
 ۸. عده زیادی از دانشمندان اهل سنت و محدثین آنها این مطلب را نقل کرده‌اند، مانند مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۱۰۳ و ذخایر العقبی، ص ۲۵ و نور الابصار شبلنجی، ص ۲۲۷ و کنز العمال، ج ۱، ص ۲۱۸ و الصواعق المحرقة، ص ۱۷۰ و مؤلف الغدیر نزدیک به ۴۵ نفر از بزرگان اهل سنت را نام می‌برد که همگی اعتراف کرده‌اند که آیه مزبور در شأن علی و فاطمه و دو پسر آنان علیهم السلام است (رک: الغدیر، ج ۳، ص ۱۷۲).
 ۹. الغدیر، ج ۲، ص ۳۰۷
 ۱۰. محجه البیضا، ج ۴، ص ۲۱۱

- ۸۹- یا علی فاطمه ودیعه خدا در نزد توست.
- ۹۰- یا علی فاطمه ودیعه رسول خدا، محمد، در نزد توست.
- ۹۱- یا علی حفظ خدا و رسول او به حفظ فاطمه است.
- ۹۲- یا علی سوگند به خدا دخترم فاطمه سرور زنان بهشت است.
- ۹۳- یا علی اگر فاطمه را شبیه و مانندای باشد، مریم دختر عمران است.
- ۹۴- یا علی او مریم کبری است.
- ۹۵- یا علی من به این مقام نرسیدم مگر آنچه از خدا برای فاطمه و تو خواستم، به من عطا نمود.
- ۹۶- یا علی هر چه فاطمه می‌گوید انجام بده چون آنچه او می‌گوید جبرئیل امر کرده است.
- ۹۷- یا علی وای بر کسی که حق فاطمه را به ناحق بگیرد.
- ۹۸- یا علی وای بر کسی که حرمت او را هتک کند.
- ۹۹- یا علی وای بر کسی که دخترم را مورد ظلم و ستم قرار دهد.
- ۱۰۰- یا علی من از آن کس راضیم که فاطمه از او راضی باشد زیرا رضایت او رضایت خدا و ملائکه است^(۱).

۲- نمونه‌هایی از رفتار ویژه پیامبر ﷺ با فاطمه زهرا

- ۱- تعریف و تمجید بسیار از فاطمه علیها السلام و بیان عظمت او نزد خدا و رسول خدا در هر مناسبت که دست می‌داد، به ویژه مواقعی که موجب می‌شد دیگران از آن تمجیدها مطلع شوند، و نیز سخنانی که در بحث قبل از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل گردید، بهترین دلیل و شاهد بر این ادعا است.
- ۲- او را زیاد می‌بوسید^(۲)، گاهی بین دو چشمان او^(۳)، گاهی دستهای او و گاهی عرض صورت او را می‌بوسید^(۴).
- ۳- شبها پیامبر به بستر خواب نمی‌رفت مگر آنکه سراغ فاطمه می‌رفت، او را می‌بوسید

۱. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۹۰ و بحار، ج ۲۲، ص ۴۸۴

۲. بحار، ج ۴۳، ص ۶

۳. بحار، ج ۴۳، ص ۴

۴. علل الشرایع، ص ۱۸۳

- و برایش دعا می‌کرد^(۱).
- ۴- وقتی پیامبر برای نماز در مسجد از در خانه فاطمه عبور می‌کرد، می‌ایستاد و رو به خانه فاطمه می‌کرد و به او سلام می‌داد و می‌گفت: السلام علیکم اهل البيت و رحمة الله و برکاته^(۲).
- ۵- هنگامی که فاطمه نزد پیامبر گریه می‌کرد، به صورت او دست می‌کشید و اشکهای او را پاک می‌کرد^(۳).
- ۶- هنگامی که فاطمه بر پدر وارد می‌شد، پیامبر صلی الله علیه و آله جلو او می‌ایستاد. او را می‌بوسید و فاطمه را سر جای خود می‌نشاند^(۴).
- ۷- به فاطمه اظهار محبت زیاد می‌نمود^(۵) و از شوق می‌گریست^(۶).
- ۸- پیامبر هنگام سفر، آخرین کسی که تودیع می‌نمود، فاطمه بود لذا تمام سفرهای پیامبر از خانه فاطمه شروع می‌شد^(۷).
- ۹- پیامبر هنگام بازگشت از سفر پیش از همه به دیدار فاطمه می‌رفت و به او سلام می‌داد لذا تمام سفرهای پیامبر به خانه فاطمه ختم می‌شد^(۸).
- ۱۰- از جنگها که برمی‌گشت اول سراغ فاطمه می‌گرفت و او را می‌بوسید^(۹).
- ۱۱- هنگامی که به دیدار فاطمه می‌رفت ملاقات با او را طول می‌داد^(۱۰).
- ۱۲- هنگام هجرت از مکه، بیشتر از همه نگران فاطمه زهرا بود^(۱۱).
- ۱۳- فاطمه سنگ صبور پیامبر بود و در سختیها، فاطمه از پدر دلجوئی می‌طلبید^(۱۲).

-
۱. بحار ج ۷ ص ۴۳، ۴۲ و ۵۵ و ۷۸
 ۲. بحار، ج ۴۳، ص ۵۳
 ۳. بحار، ج ۴۳، ص ۴۰
 ۴. بحار، ج ۴۳، ص ۴۰ و ابن عبدربه، العقد الفرید، ج ۲، ص ۳
 ۵. بحار، ج ۴۳، ص ۵ و ۴۳
 ۶. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۱۶
 ۷. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۶ و بحار، ج ۴۳، ص ۲۰
 ۸. بحار، ج ۴۳، ص ۲۰ و ۴۰ و ۸۳
 ۹. بحار، ج ۴۳، ص ۴۰
 ۱۰. بحار، ج ۴۳، ص ۲۰
 ۱۱. بحار، ج ۴۳، ص ۴۳
 ۱۲. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۴۱ و ۲۴۲ و بحار، ج ۴۳، ص ۸۶

- ۱۴- پیامبر از سختیهایی که به فاطمه می‌رسید متأثر می‌شد و می‌گریست (۱).
- ۱۵- پیامبر در هنگام ورود به منزل فاطمه، در می‌زد و اجازه می‌گرفت و او را تعظیم می‌نمود (۲).
- ۱۶- هنگام احوال‌پرسی از او، بر سر او دست می‌کشید و با تلمظ تمام از او احوال‌پرسی می‌نمود (۳).
- ۱۷- فاطمه زهرا را که می‌دید فرحتاک و خوشحال می‌شد.
- ۱۸- پیامبر تحمل ناراحتی و گریه فاطمه را نداشت و همواره دنبال مسرور کردن فاطمه بود (۴).
- ۱۹- در عین نداری فاطمه، فقرا را به در خانه فاطمه می‌فرستاد و آن بانو نیز فقیر را ناامید بر نمی‌گردانید (۵).
- ۲۰- پیامبر ﷺ، فاطمه را ضرب‌المثل برای نزدیکترین فرد به خود و یا نمونه اعلاء قرار می‌داد (۶).
- ۲۱- داستان او را می‌گرفت و خطاب به مردم می‌گفت: هر کس او را می‌شناسد که می‌شناسد و هر کس او را نمی‌شناسد، این فاطمه دختر محمد است، پاره تن من و قلب و روح و روان من است، هر کس او را اذیت کند مرا اذیت کرده و هر کس مرا اذیت کند خدا را اذیت نموده است (۷).
- ۲۲- در امر ازدواج گرچه به امر الهی بود، در عین حال برای تعظیم فاطمه زهرا با آن دختر مشورت می‌نماید و کسب رضایت می‌کند (۸).
- ۲۳- پیامبر امر به بزرگداشت عروسی فاطمه می‌دهد (۹).

۱. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۳۸
 ۲. بحار، ج ۴۳، ص ۴۳
 ۳. بحار، ج ۴۳، ص ۶۰
 ۴. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۱۵ و بحار، ج ۴۳، ص ۴۳ و ۵۶
 ۵. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۹۱
 ۶. بحار، ج ۴۳، ص ۱۱۲ و عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۲۲
 ۷. بحار، ج ۴۳، ص ۱۱۴

- ۲۴- در شب عروسی خود دست فاطمه را در دست علی می‌گذارد و برای آنان دعا می‌کند و می‌فرماید ای علی بَارَكَ اللهُ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللهِ (۱).
- ۲۵- به مناسبت ازدواج فاطمه زهرا به منبر می‌رود و برای مردم خطبه می‌خواند (۲).
- ۲۶- پیامبر تمام دربهای خانه صحابه را که به مسجد گشوده می‌شد، به جز در خانه فاطمه زهرا و علی را بست (۳).
- ۲۷- پیامبر در آخرین لحظات حیات، دست فاطمه را می‌گیرد و می‌فشرد و برای مصائبی که بر فاطمه زهرا خواهد آمد، آنقدر گریه می‌کند تا از هوش می‌رود (۴).
- ۲۸- در آخرین لحظات، فاطمه را به خود می‌چسباند و در حالیکه دست او را در دست علی می‌گذارد و به علی سفارش مؤکد فاطمه را می‌نماید (۵).
- آنچه گذشت فقط چند نمونه از سخنان و رفتار پیامبر نسبت به فاطمه زهرا بود.

۳- پیام و راز نهفته در سخنان و رفتار پیامبر نسبت به فاطمه

بدون تردید چنان کلمات و رفتاری نمی‌تواند فقط ناشی از رابطه پدری با یک دختر باشد، در صورتی که خود پیامبر از تفاوت گذاشتن پدر بین فرزندان نهی کرده است، بلکه این نوع رفتار ناشی از پیامبری پدر نسبت به موجودی الهی و ولیة الله می‌باشد و حکایت از وسعت و عمق شناخت پیامبر از فاطمه زهرا و عظمت آن بانو نزد خداوند و جایگاه رفیع آن مقدس در عالم خلقت دارد.

از طرف دیگر در ورای این سخنان و رفتار سرّ و راز دیگر نهفته است. پیامبر از آنچه در پیش است، کاملاً آگاهی دارد و تمام کسانی را که سبب مصائب صدیقه زهرا هستند، می‌شناسد و هر روز آنان را می‌بیند، اما رسالت پیامبری او

۲. بحار، ج ۴۳، ص ۱۱۴

۱. بحار، ج ۴۳، ص ۱۱۶

۳. الغدير، ج ۳، ص ۲۰۳

۴. بحار، ج ۴۳، ص ۱۵۶ و فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۲۸۹

۵. بحار، ج ۴۳، ص ۱۵۶

اجازه نمی دهد پیشاپیش، آنان را مجازات یا قصاص کند لذا به دنبال اقدامی است که آنان را از کارهای حولناك و دردناك باز دارد و چه اقدامی بهتر و بازدارنده تر از اصرار گفتاری و رفتاری بر عظمت فاطمه زهرا علیها السلام؟!۱

۱-۳ - فاطمه علیها السلام مقدسترین زن عالم

پیام پیامبر صلی الله علیه و آله برای بشریت تا قیامت، قداست فاطمه زهرا علیها السلام است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله با آن گفتار و رفتار در صدد بود تا در بین بشریت، قداست فاطمه زهرا علیها السلام منتشر شود و تثبیت گردد. فاطمه مقدس علیها السلام، ضرب المثل برای زن پاک و مطهر و مقرب دو عالم قرار گیرد.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله می خواست فاطمه مقدس را نماد اسلام در بزرگداشت زن قرار دهد تا مبادا دشمنان اسلام روزی بر ضد اسلام و یا مسلمین بهانه جویی کنند که اسلام برای زن ارزشی قائل نیست و زن را پائین و کمتر از مرد می شمارد. مسیحیان در طول تاریخ و به خصوص امروزه، بر زن بسیار جفا کرده و می کنند. و او را در حد یک ابزار برای سلطه و یا فروش و مصرف کالاها، مصرفی تنزل داده اند اما چون مریم را مقدس می شمارند تمام کوتاهی های خود نسبت به زن را با مقدس شمردن مریم پوشش می دهند.

خداوند، در قرآن، علاوه بر مریم، سه بانوی بزرگ خداشناس و باایمان را نمونه معرفی می کند. پیامبر صلی الله علیه و آله با اعلام تقدس فاطمه به بشریت، واقعاً به دنبال اعلام عظمت و احترام اسلام به زن بود و در پی ساختن پوشش نبود، بلکه می خواست با قداست فاطمه علیها السلام اعلام کند که باید جایگاه زن در بین مسلمین، بلکه بشریت جایگاهی چون قدس فاطمه زهرا باشد.

اما افسوس و صد افسوس که کینه ها، حقدها، قدرت طلبی ها و هواپرستی ها نه تنها نگذاشت تقدس مورد نظر پیامبر صلی الله علیه و آله منتشر شود، بلکه تقدس زهرا علیها السلام را نیز کتمان کرد.
(بقیه در صفحه ۶۸)

مجله مکتب اسلام

بر قله پنجاه سال حیات مطبوعاتی دینی

با انتشار شماره چهار (تیرماه) سال ۱۳۸۵ هـ ش - جمادی الآخری ۱۴۲۷ هـ ق، مجله درسهای از مکتب اسلام، این نشریه وارد پنجاه و یکمین سال حیات مطبوعاتی خود شد.

نخستین شماره این مجله، در ماه جمادی الأولى، سال ۱۳۷۸ هـ ق، منتشر شده، و اکنون (جمادی الآخری، سال ۱۴۲۷ هـ ق)، پنجاه سال از عمر فعالیت مطبوعاتی این نشریه دینی و علمی می‌گذرد، از حدود صد سال پیش که نخستین نشریه دینی در کشور ما منتشر شد، هر یک از مجلات و نشریات دینی متعدد که با به عرصه مطبوعات نهادند، (با تفاوت‌هایی) بیش از چند سال انتشار نیافت و خورشید عمر هر کدام به علتی، غروب کرد (چنانکه در سال ۱۳۸۲ هـ ش که جشنواره یکصدمین سال انتشار مجله دینی در قم برگزار شد، اعلام گردید). در این میان مجله درسهای از مکتب اسلام، این نشریه دینی برخاسته از حوزه علمیه قم و روحانیت، تنها مجله دینی است که با تمام فراز و نشیب‌ها و طوفانها و تندبادها، با تحمل مشکلات و تنگناهای طاقت‌فرسای گوناگون، همچنان در سنگر مطبوعاتی دینی ثابت و استوار ایستاده و اکنون بر قله پرافتخار پنجاه سالگی عمر قرار گرفته است. این دوام و استمرار را، بیش از هر چیز باید مدیون اخلاص و نیت پاک بنیانگذاران آن دانست. اکنون دوره پنجاه ساله این مجله، در واقع یک گنجینه علمی و یک کتابخانه ارزنده را تشکیل می‌دهد که هم یک سرمایه علمی، و هم حاوی تاریخ فرهنگی و اجتماعی نیم قرن اخیر است.

از درگاه خداوند متعال مسألت داریم که توفیق ادامه این راه را همچنان بر ما نصیب فرماید.

هیئت تحریریه

صفحه‌ای که در پیش‌رو دارید، فهرست مندرجات و نویسندگان نخستین شماره مجله درسهائی از مکتب اسلام می‌باشد:

فهرست مندرجات

- | | | |
|--|-------------------|--------------------------|
| ۱- «هدف ما» | صفحه ۶-۳ | ۰۰۰۰ |
| ۲- قرآن یا آفتابیکه غروب ندارد | ۱۳-۷ | عبدالکریم موسوی |
| ۳- اینهمه مطبوعات ما | ۲۰-۱۴۰ | ناصر مکارم شیرازی |
| ۴- فتوحات مسلمین | ۲۷-۲۱ | محمد و اعطز زاده خراسانی |
| ۵- تربیت و تکامل | ۳۳-۲۸ | مرتضی جزائری |
| ۶- مخرمات در اسلام | ۴۰-۳۵ | مجدالدین محلاتی |
| ۷- تجزیه و تحلیل در تاریخ اسلام | ۴۷-۴۱ | جعفر سبحانی تبریزی |
| ۸- مفاخر مکتب اسلام - «کلینی» | ۵۴-۴۸ | علی دوانی |
| ۹- توحید از نظر قرآن | ۶۲-۵۵ | حسین نوری |
| و از شماره آینده بحث جامع و تازه‌ای درباره «عقائد و مذاهب» | | |
| کلیه مکاتبات با درس: «قم صندوق پستی شماره ۲۴» | | |
| آذرماه ۱۳۳۷ | جمادى الاولى ۱۳۷۸ | |

قم
چاپخانه حکمت

علت بروز شباهت میان اولاد با والدین چیست؟

ژن موسومند و در روی کروموزومها قرار دارند، موجب بروز شباهت میان اولاد با والدین می‌شود. ژنها صفات مختلف ما را سبب می‌شوند سه ژن A و B و O در تعیین گروه خونی افراد دخالت دارند. تعداد کروموزومهای هرگونه از جانداران کاملاً مشخص و ثابت است. همه سلولهای اعضای آدمیان، کروموزومهای مساوی با سلول تخم دارند. (به استثنای سلولهای جنسی)

سلولهای جنسی نر و ماده آدمی هر کدام ۲۳ عدد کروموزوم دارند که وقتی ترکیب شدند، تعداد کروموزومهای تخم و در نتیجه همه سلولهای حاصل از آن، هر کدام ۴۶ عدد کروموزوم می‌شود. بدین ترتیب نیمی از کروموزومهای بدن ما از پدر

ویژگی‌های ارثی از راه تولید مثل از والدین به اولاد منتقل می‌شوند زیرا زندگی بیشتر جانداران از سلول تخم آغاز می‌گردد و این سلول با تقسیمات متوالی و فراوان که حاصل می‌کند، کم‌کم تبدیل به جاندار کامل می‌شود.

برای پدید آمدن سلول تخم باید دو سلول جنسی از دو زوج نر و ماده با هم تسرکب شوند. درون هسته سلول رشته‌هائی به نام «کروموزوم» جای دارند که در انتقال صفات ارثی بسیار پراهمیت است. نیمی از کروموزومهای سلول تخم متعلق به جفت نر (پدر) و نیمی دیگر متعلق به جفت ماده (مادر) در کنار هم به صورت جفت جفت قرار دارند.

وجود کروموزومها و عواملی که به

و نیمی از مادر تأمین می‌شود.

از ۲۳ کروموزم‌های بعضی از سلول نر (اسپرم) یکی X نام دارد و از ۲۳ کروموزم‌های بعضی دیگر از سلولهای نر (اسپرم) یکی Y نام دارد و از ۲۳ کروموزم‌های هر کدام از سلولهای ماده یکی X نام دارد در نتیجه پس از انجام عمل لقاح که سه سلول نر وارد سلول ماده می‌شود و هسته‌ها آمیخته و تخم تشکیل می‌شود اگر سلول نری که دارای کروموزم X بوده با سلول ماده که دارای کروموزم X است ترکیب شود، سلول تخم به صورت دختر رقم می‌خورد و اگر سلول نری که

دارای کروموزم Y بوده با سلول جنسی ماده که دارای X است ترکیب شود، سلول تخم به صورت پسر رقم می‌خورد.

دختر $X+X+44$ لقاح

$$= (X+22) + (X+22)$$

پسر $X+Y+44$ لقاح

$$= (X+22) + (Y+22)$$

البته بعد از انجام عمل لقاح، تغذیه

در جنسیت بی اثر است به نظر می‌رسد در آینده آنچه موجب قدرت جاذبه و دافعه سلولهای جنسی نسبت بهم می‌شوند، کشف و پیدا شوند.

(بقیه از صفحه ۶۴)

۲-۳ - فاطمه رضی الله عنها معیار ایمان و حب و بغض خدا

اما پیام کلمات و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله به مسلمین این بود که فاطمه معیار ایمان و حب و بغض خدا است. نبی گرامی صلی الله علیه و آله در صدد بود که فاطمه زهرا رضی الله عنها را معیاری برای سنجش ایمان و عشق درونی مسلمین نسبت به خدا، رسول، و اسلام معرفی کند تا هر مسلمانی خواست میزان ایمان خود به خدا و رسول و قدر عشق خود به خدا و رسول و میزان تعهد و پایبندی خود به دین اسلام را محک بزند، به اندازه و قدر ایمان خود، عشق خود و تعهد خود به فاطمه زهرا رضی الله عنها بنگرد.

دکتر منصور اشرفی

عضو کالج بین‌المللی جراحان



افسردگی در بسیاری از موارد، روندی عادی و زودگذر است و نباید موجب نگرانی شود.

افسردگی چیست؟

خود را متفاوت از دیگران می‌پندارند. اینان در واقع از نظر روانی دچار افسردگی هستند.

در اندرون من خسته دل ندانم کیست
که من خموشم و او در فغان و در غوغاست
حافظ

چنین افسردگی نسبتاً شدید، ممکن است در پی بیماری‌هایی مانند انفلوانزا و یا مصرف داروهای کورتیکواستروئیدها (CORTICOSTEROIDS) و یا داروهای خوراکی ضد بارداری باشد. البته استعداد ارثی نیز بی‌اثر

افسردگی حالتی است که ممکن است همه مردم، گاه‌گاهی، بر اثر وضع ناگوار، به آن دچار شوند؛ بیماران گرفتار افسردگی شدید، از حالت افسردگی و یا دلشکستگی درازمدت شکایت می‌کنند. آنان اظهار می‌دارند که نمی‌دانند به چه علت دچار ناراحتی هستند و نمی‌توانند سبب را دریابند. رویهمرفته حالت خمودگی و بیچارگی در خود احساس می‌کنند.

نیست اما مسائل دیگری مانند جدائی و طلاق، فقدان عزیزی و یأس و ناامیدی نیز در ایجاد افسردگی اثر انکارناپذیر و قوی دارند. گاهی افسردگی، بدون علت آشکار، بروز می‌کند و این حالت در افراد میانسال و سالمند بیشتر دیده می‌شود ولی جوانان و حتی کودکان نیز ممکن است گرفتار شوند.

علائم افسردگی،

افزودن بر تغییر خلق، نشانه‌های مهم آن عبارتند از بی‌خوابی به ویژه بیدار شدن پس از ۲ و ۳ ساعت خواب. تغییر روز به روز خفتن به ویژه موقع عصر. کندی در تفکر، احساس گناه، احساس بیهودگی در زندگی، تفکرات واهی و خیالی، بی‌اعتنائی به گفتگوی منطقی و جدی و یا ارائه دلالتی نادرست از طرف بیمار. نیز برخی نشانه‌های جسمی مانند بی‌اشتهائی، کم شدن وزن، نبود عادت ماهانه، سردرد، کمردرد، یبوست،

کندی اعمال بدنی (گاهی بر اثر هیجان)، فعالیت بیش از حد (گاهی بی هدف) و تخیلات موهوم.

چنین بیماری ممکن است خمیده و بی‌حرکت روی صندلی و یا زمین بنشیند و آشکارا خود را دل‌شکسته بدانند و به آرامی گریه کنند. به پرسش‌ها با کلمات کوتاه پاسخ دهد. البته در مراحل نخست، تغییر وضع ظاهری چشمگیر نیست و تشخیص ناراحتی بسته به کاردانی پزشک است که بتواند نشانه‌های یاد شده را در بیمار بیابد.

در افسردگی شدید روانی، به ویژه وقتی که با بی‌قراری و اضطراب و اندیشه برای مرگ همراه باشد، خطر خودکشی نیز وجود دارد. اگر افسردگی به چنین حالت شدید برسد، بهتر است که بیمار در بیمارستان و یا آسایشگاه بستری و درمان شود.

بسیاری از مردم، گاهی پس از فقدان عزیز و یا چیز گران‌قدر، یک

شدید باشد، شاید به افسردگی بیانجامد.

پس از درگذشت یکی از نزدیکان، ممکن است احساس سستی و بی حالی بکنید و شاید باور نکنید که آن شخص مرده است و چنان رفتار کنید که گویی هنوز زنده است. همه اینها جزو روند غصه و اندوه است که به مرور زمان و به تدریج از شدت غم کاسته می شود و به کار عادی می پردازید. این گونه اندوه در افراد متفاوت است و هر کس با گام متناسب خود پیش می رود. اندوه مراتبی دارد که گام به گام جلو می رود. در وهله نخست ممکن است شما با شنیدن خبر ناگوار عزیزی تکان بخورید و وحشت زده (و به اصطلاح فرنگی شوکه) شوید و باور نکنید که این امر ناگوار اتفاق افتاده است ولی واقعیت بسیار زود روشن می شود و می پذیرید که شخص مورد علاقه شما برای همیشه شما را ترك کرده است. دفن و کفن، عزاداری، شام غریبان،

حالت افسردگی و یا غصه معمولی گذرا دارند که ظرف کمتر از شش ماه بهبود می یابند و در افرادی نیز در عرض چند روز و گاهی چند هفته، بدون این که کار روزانه را قطع نمایند، این حالت بر طرف می گردد. در عوض برای عده ای دیگر این حالت به هر حال عملاً اضطراب آور و ناتوان کننده است ولی به ندرت زندگی آنان را تهدید می کند.

اگر شخصی، بیماری دیگری هم داشته باشد، مانند بیماری قلب و سرطان، افسردگی، ممکن است خطر مرگ در پی داشته باشد. اگر شما دچار افسردگی هستید، گمان نبرید که تنها شما به این ناراحتی گرفتارید، بلکه بسیاری از افراد بالغ دیگر نیز گرفتار این گونه ناراحتی هستند. در برخی از افراد، همان گونه که یاد آوری شد، افسردگی پس از درگذشت یکی از نزدیکان که بسیار مورد علاقه بوده است، بروز می کند. این گونه غم و ناراحتی تا حدودی طبیعی است و اگر

شب هفته، مراسم چهلم و سالگرد و غیره، بار سنگین اندوه را سبک می‌کند. سپس می‌پذیرید که مرگ هم مانند تولد، جزوی از روند زندگی است. اگر باور عمیق مذهبی داشته باشید، می‌دانید که مرگ پایان کار نیست، شاید خود را گناهکار بدانید که چرا قبلاً در خدمت به متوفی کوتاهی کرده‌اید. اگر چنین است، برای شادی خود و روان متوفی به دیگران خدمت بکنید.

اندوه زیاد و افزون بر تن آدمی، غالباً در تن انسان نیز اثر می‌گذارد و بدن به آن واکنش نشان می‌دهد و به گونه‌ای که شاید آدمی به شدت هیجان زده شود و به نوبت خشمگین و اندوهگین گردد یعنی از یک آشفتگی به آشفتگی دیگر دچار شود. اندوه غالباً بر تن آدمی اثر می‌گذارد مثلاً دستگاه گوارش را مختل می‌کند و خواب را نا آرام. ممکن است بر دستگاه ایمنی نیز اثر بگذارد و آدمی را در برابر بیماری‌ها آسیب‌پذیر

گرداند.

در چنین مواردی باید کوشید تا رژیم مناسب و سالم غذایی را بر طبق روال عادی ادامه داد و به گونه‌ای متعادل استراحت کرد، خوابید و ورزش نمود.

در نهایت، اضطراب و هیجان کم‌کم فروکش می‌کند و این موقعی است که شما واقعیت را پذیرفته‌اید و کم‌کم به کار روزانه خود بر می‌گردید و این وقتی است که شما در یافته‌اید که با فقدان عزیزتان نیز می‌توانید به زندگی جاری ادامه بدهید، گرچه هنوز عزادارید.

گذشت ایام جراحات روانی را بهبود می‌بخشد. اگر چنین نشد و ناراحتی شما مدتی به درازا کشید، از پزشک یاری بخواهید.

به هیچ روی به مصرف دارو و مواد مسکن و مخدر و الکل روی نیاورید و از آنها جداً پرهیزید.

در چنین مواردی، بهترین یاور شما دوستان یکدل شما و نیز پزشکان

هستند.

شما می‌خواهد فرق یک بیماری شدید و غیر شدید را بدانند می‌توانید فرق بین حمله قلبی و سرماخوردگی ساده را به آنان بگوئید. بگذارید کودکان اندوه و اضطراب و گریه و زاری شما را ببینند تا بدانند که این گریه و ناراحتی جزوی از روند ماتم است. معمولاً کودکان، با سنن گوناگون، در برابر مرگ عزیزی به گونه متفاوتی پاسخ می‌دهند به این شرح:

- کودکان زیر ۳ سال معنی مرگ را نمی‌فهمند اما به هیجانات و احساسات بزرگسالان که کار روزانه را قطع کرده‌اند، واکنش نشان می‌دهند و می‌کوشند مانند روزهای پیش به بازیها و کارهای روزانه خود بپردازند.

- کودکان ۳ تا ۶ سال، ممکن است به برگشت‌ناپذیری مرگ باور داشته باشند و می‌پرسند که متوفی کی بر می‌گردد؟ آنان ممکن است چنین احساسی داشته باشند که تا حدودی در مرگ متوفی نقشی داشته‌اند. باید به آنها اطمینان داد که آنان نقشی در

کودکان:

اگر مرگی در خانواده پیش آید، باید مواظب کودکان باشید تا آنان دچار دل‌تنگی نشوند و از مرگ عزیزتان زیاد ناراحت نگردند. کودکان، حتی کودکان بزرگ از مرگ افراد خانواده عمیقاً متأثر می‌شوند. کودکان هم مانند بزرگسالان ناله و زاری می‌کنند و گاهی دچار شوک می‌شوند و باور نمی‌کنند که عزیزشان برای همیشه با آنان وداع کرده است بنابراین خشمگین می‌شوند ولی در نهایت ناچار به پذیرفتن فاجعه می‌گردند.

هر یک از کودکان به گونه‌ای در برابر مرگ عزیز خود واکنش نشان می‌دهند و نیازمند یاری و پشتیبانی و دل‌داری بزرگترها هستند. باید به کودک واقعیت امر درباره بیماری متوفی را گفت مثلاً یاد آور شد که متوفی در پی یک بیماری شدید، مثلاً حمله قلبی در گذشته است. کودک

گریه می‌کنید و هیجان دارید، آنان نیز می‌توانند احساسات خود را بیان کنند.

درباره شخص متوفی با آنان گفتگو کنید گرچه شاید خودتان احساس خود را پنهان کنید و بخواهید تا از بحث پرهیزید. افسردگی در جریان تغییر عمده زندگی مانند گذر از نوجوانی به بلوغ و یا طلاق و جدائی رخ دهد.

در برخی از افراد، افسردگی بی‌هیچ‌گونه پیش‌درآمدی عارض می‌شود. در برخی دیگر افسردگی، بیماری است که تکرار می‌شود. افسردگی اگر درمان نشود، محتمل است که تکرار گردد و چه بسا که حمله‌های پسین، شدیدتر از پیشین باشند. اکنون درمانهای مؤثر برای بهبود افسردگی در دسترس است که با تجویز پزشک مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در شماره آینده باز هم درباره افسردگی شرح خواهیم داد.

مرگ عزیز از دست رفته نداشته‌اند. با زبان ساده مرگ را به آنان بیان نمائید مثلاً بگوئید که مرگ یعنی این که بدن دیگر کار نمی‌کند و بگوئید که متوفی خوابیده است و یا ما را ترک کرده است. چه؟ ممکن است کودک از خوابیدن بترسد و یا باور کند که مرده، برمی‌گردد.

- کودکان ۶ تا ۹ سال شاید نیازمند به دانستن بیشتر باشند که چرا و چگونه آدمی می‌میرد؟ شاید نگران باشند که شما نیز بمیرید. بگذارید بچه بپرسد و شما نیز پاسخ دهید که برای شما نگران نباشد.

- کودکان ۹ تا ۱۲ سال شاید احساس خشم و یا گناه بکنند و از مردم دوری نمایند تا هیجان و اضطراب خود را پنهان کنند و گاهی هم پرخاشگر می‌شوند. به چنین کودکانی، حالی کنید و اطمینان بدهید که آشکار کردن خشم و اضطراب بهتر است تا پنهان کردن آن. بگوئید همان‌گونه که خود شما گاهی

تسلیت

درگذشت مرحوم مغفور، آقای حاج حسین
خامه‌چی مایه تأثر و تأسف گردید.

مرحوم خامه‌چی عضو هیئت مالی مجلهٔ مکتب
اسلام بودند، همچنانکه پدر بزرگوار و محترمشان
مرحوم حاج علی اصغر خامه‌چی از مؤسّسین این
نشریه بودند.

ما این ضایعه را به خاندان بزرگ خامه‌چی و کلیهٔ
بازماندگان و دوستان بالاخص فرزند برومندشان آقای
حاج کاظم آقا تسلیت عرض نموده و برای هر دو
مرحوم از خداوند متعال علو درجات خواستاریم.
هیئت تحریریه

پرونده‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

سال چهل و ششم، شمارهٔ ۴، شمارهٔ مسلسل ۵۴۴

تیرماه ۱۳۸۵ - جمادی‌الثانیة ۱۴۲۷هـ ق

کلیهٔ نامه‌های علمی و سؤالات، به عنوان هیئت تحریریه

شماره حساب جاری بانک صادرات مرکزی قم ۹۱۹ - کد ۴۳

و حساب سپهر ۰۳۰۲۷۲۷۷۰۰۳ بنام فرج‌اللهی، مکتب اسلام

دفتر مرکزی، خیابان آیه‌الله نجفی

سخنان معصومین (علیهم السلام)

قال الصادق عليه السلام:

المؤمنُ بينِ مخافتينِ: ذنبٌ قد مضى لا يدري ما صنع الله فيه، و عمرٌ قد بقى لا يدري ما اكتسب فيه من المهالك، فهو لا يصبح الاّ خائفاً ولا يمسي الاّ خائفاً و لا يصلحه الاّ الخوف».

امام صادق عليه السلام فرمود:

«مؤمن میان دو ترس است: گناه گذشته که نداند خدا با او در رابطه با آن گناه چه می‌کند و عمر باقیمانده که نمی‌داند در آن چه مهلکه‌هائی می‌افتد، و او صبح نکند مگر ترسان، و صبح را به شامگاه نرساند مگر با ترس و او را اصلاح نکند مگر همین ترس».

(تحف العقول، ص ۳۹۷).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی